



۶۰

بازی به یاد ماندنی من

ACHMAZ

فروشگاه تخصصی شطرنج

رابرت جیمز فیشر

مترجم: طاهر سیل سپور

ویراستار: آرش روغنی

بنام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

۶۰

بازی به یاد ماندنی من

رابرت جیمز فیشر

ACHMAZ

فروشگاه تخصصی شطرنج

ترجمه: طاهر سیل سپور

ویراستار: آرش روغنی

WWW.ACHMAZSTORE.IR

انتشارات فرزین

۱۳۸۷

سرشناسه

: فیشر، بابی ۱۹۴۳ - ۲۰۰۸ م.

Fischer, Bobby

: ۶۰ بازی بیاد ماندنی من / رابرت جیمز فیشر؛ ترجمه طاهر سیل سپور.

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت: عنوان اصلی

یادداشت

My 60 memorable games , selected and fully annoated, (1969) :

: کتاب حاضر اولین بار با عنوان شصت بازی به یاد ماندنی من در سال ۱۳۸۷ با ترجمه احمد ربیعی و ینکید میرزایانس توسط جهاد دانشگاهی واحد اصفهان منتشر شده است.

عنوان دیگر

عنوان گسترده

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتاب شناسی ملی : ۱۵۱۳۰۹۵

: شصت بازی به یاد ماندنی من.

: شصت بازی بیاد ماندنی من.

: شطرنج -- بازی ها.

: سیل سپور، طاهر، ۱۳۵۹ - مترجم

: الف ۹۱۲۵۱۳۸۷ / ف ۱۴۳۹ / GV

: ۷۹۴ / ۱۵۹



فرزین

فرهنگ و نگاه تخصصی شطرنج
انتشارات فرزین

۶۰ بازی به یاد ماندنی من

رابرت جیمز فیشر

ترجمه: طاهر سیل سپور

ویراستار: آرش روغنی

ناظر فنی: بهنام یوسفی

چاپ اول: ۱۳۸۷

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مجتمع چاپ طیف نگار

بها: ۶۰۰۰ تومان

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۵۶-۹۹-۶ ISBN 978-964-6256-99-6

خیابان انقلاب، اول خیابان دانشگاه، پلاک ۵

تلفن: ۶۶۴۸۴۱۹۰ - ۶۶۴۶۲۴۰۶

پیش گفتار مؤلف

شصت بازی که در این کتاب تفسیر شده‌اند همگی از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۷، و به استثنای بازی‌های شماره ۴۴ و ۵۰، تحت شرایط مسابقه بازی شده‌اند. در تفسیرها مکرراً به بازی‌های دیگری ارجاع داده شده است و بعضاً بازی‌های کاملی نقل گردیده‌اند.

تمامی شصت بازی ارائه شده، حتی سه بازی که آن‌ها را باخته‌ام، برای من در بردارنده چیزی خاطره‌انگیز و مهیج‌اند. کوشیده‌ام در توضیحات خویش صادق و دقیق باشم، با این امید که توضیحاتم روشنگری‌هایی در شطرنج فرا روی نهد و به درک کامل‌تر و بازی بهتر بیانجامد.

در پایان علاقه مندم مراتب امتنان خود را نسبت به دوست و همکارم، استاد بزرگ لری اوانز به خاطر کمک‌های ارزشمندش در آماده سازی متن و نیز مقدمه‌های شفافش بر هر بازی ابراز دارم.

رابرت جیمز فیشر
نیویورک

ACHMAZ

فروشگاه تخصصی شطرنج

WWW.ACHMAZSTORE.IR

پیش گفتار مترجم

«سخت است که بگویم دقیقا چه زمانی نام بابی فیشر را برای نخستین بار شنیدم، اما در اوایل زندگی ام بود. هنگامی که او با بوریس اسپاسکی بر سر عنوان قهرمانی جهان در سال ۱۹۷۲ می‌جنگید من ۹ ساله، و در شهر زادگاه خود، باکو، بازیکن باشگاهی بودم. من مشتاقانه بازی‌های آن‌ها را دنبال می‌کردم... شصت بازی به یادماندنی فیشر یکی از نخستین کتاب‌های شطرنجی من بود.»

گری کاسپاروف

درباره‌ی فیشر

بیش از هر شطرنج‌باز دیگری درباره‌ی رابرت جیمز فیشر (۱۹۴۳-۲۰۰۸) قلم‌فرسایی کرده‌اند. متخصصان گوناگون از کشورهای مختلف، شطرنج و نیز شخصیت بابی فیشر را مورد بررسی و تدقیق قرار داده‌اند. آنچه که به طور قطع درباره‌ی او می‌توان گفت این است که فیشر جنجالی‌ترین شطرنج‌باز تاریخ است. جنجال آفرینی‌های او اغلب برگزارکنندگان مسابقات و بعضا حریفان او را نشانه می‌گرفت و جهان شطرنج را در بهت و حیرت فرو می‌برد. نکته دوم این است که فیشر در کنار کاپابلانکا، آلخین، کارپف و کاسپاروف جزو پنج شطرنج‌باز برتر تاریخ محسوب می‌شود. با کمی تساهل و تسامح می‌توانیم بگوییم بازی چهار بزرگ دیگر را می‌توان در بازی فیشر دید به این معنی که تکنیک و درک پوزیسیونی چشمگیر کاپابلانکا و کارپف از یک سو، و حملات پر قدرت و ترکیب‌های خیره‌کننده‌ی آلخین و کاسپاروف از سوی دیگر، همگی در بازی فیشر قابل مشاهده هستند. نکته سوم پیچیدگی شخصیتی فیشر است و آن را ناشی از این دانسته‌اند که فیشر هیچ‌گاه سایه‌ی پدر را بر سر خویش ندید و این کمبود تأثیری منفی در شخصیت او به جا نهاد که تا آخر عمر فیشر به قوت خود باقی بود. نکته چهارم ظرفیت بی‌پایان فیشر برای کار روی شطرنج بود. او زبان‌های روسی و صرب را نزد خود آموخته بود و مطبوعات و کتاب‌های شطرنج روسیه و یوگسلاوی را «آنلاین» مطالعه می‌کرد. پیشنهادهای تئوریک آن‌ها را می‌آزمود و در بازی‌های خود به کار می‌گرفت.

شطرنج فیشر:

فیشر به شطرنج عشق و علاقه‌ای بی‌حد و حصر داشت و انرژی و زمان فراوانی را صرف آن می‌کرد. در اولین بازی تفسیرشده‌ای که از فیشر مطالعه کردم (فیشر-برلینر، ۱۹۶۰ با تفسیر اروینگ چرنف) انرژی و شدت و حدتی که فیشر در سرتاسر بازی از خود نمایش داد حیرت و شگفتی مرا برانگیخت.

و این در واقع مشخصه اصلی بازی فیشر است. او یک مبارز واقعی بود. تبحرش در گشایش‌ها زبانزد خاص و عام بود. خود را تا بن دندان به آخرین یافته‌های تئوری مجهز و مسلح می‌کرد. در وسط بازی بهترین طرح‌ها را می‌دانست و در آخربازی تکنیک فوق‌العاده‌ای از خود به نمایش می‌گذاشت. در هر بازی چه با سفید و چه با سیاه برای برد بازی می‌کرد. تساوی‌های کوتاه برای او معنا و مفهومی نداشت و تا آخرین جایی که شانس وجود داشت - چه برای پیروزی و چه برای فرار از شکست - به تلاش و مبارزه ادامه می‌داد. در رویارویی قهرمانی جهان ۱۹۷۲ که با پیروزی بزرگ او خاتمه یافت بارها از وضعیت‌های نامساعد گریخت و باعث شد بوریس اسپاسکی چنین اظهارنظر کند: «فیشر در دستان من همچون یک ماهی بزرگ بود. من می‌توانستم او را بگیرم اما نمی‌توانستم او را نگه دارم! هر بار او از چنگم می‌گریخت.» و البته باید اذعان کنیم که به مصداق ضرب‌المثل Fortune favors the brave (بخت و اقبال با کسی است که دل شیر دارد) فیشر انصافاً خوش‌شانس هم بود.

پیروزی‌های فیشر:

غیر از چند تورنمنت نخستین او که پیروزی قابل توجهی برای او به همراه نداشتند فیشر در تمام تورنمنت‌های بعدی خود - با دو یا سه استثنا - موفقیت‌های قابل توجهی به دست آورد. نخستین باری که به مسابقات قهرمانی آمریکا دعوت شد (سال ۱۹۵۸) بر ساموئل رشفسکی کبیر پیشی گرفت و در حالی که هنوز پانزده ساله نشده بود به عنوان جوان‌ترین قهرمان آمریکا دست یافت.

پس از آن راهی مسابقات اینترزونال پورتوروز ۱۹۵۸ شد. با وجود این که این نخستین تورنمنت بین‌المللی او بود در میان شگفتی همگان از این آزمایش سر بلند بیرون آمد، به تورنمنت نامردهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹ راه یافت و به عنوان جوان‌ترین استاد بزرگ بین‌المللی (رکوردی که تنها در دهه نود به وسیله یودیت پولگار شکسته شد) دست پیدا کرد. نمایش‌های نخستین او باعث شد با تلویزیونیک سال‌ها بعد بگویند: از همان بازی‌های نخستین او می‌شد حدس زد که او روزی قهرمان جهان خواهد شد.

فیشر از سال ۱۹۶۲ به بعد (و شاید در پی پیروزی خیره‌کننده در اینترزونال استکهلم ۱۹۶۲) خود را قهرمان واقعی شطرنج جهان می‌دانست.

ده سال گذشت، فیشر با پیروزی‌های خیره‌کننده در اینترزونال پالماس د مایورکا ۱۹۷۰، رویارویی دوجانبه با تایمانوف ۱۹۷۱ (با نتیجه ۱-۳)، رویارویی دوجانبه با لارسن ۱۹۷۱ (باز هم با نتیجه ۱-۳)، رویارویی دوجانبه با پتروسیان ۱۹۷۱ (با نتیجه ۲/۵-۶/۵) به رویارویی قهرمانی جهان ۱۹۷۲ در مقابل اسپاسکی راه یافت.

آن‌گاه با پیروزی ۱۲/۵ بر ۸/۵ بر اسپاسکی ادعای خود را به شیوه‌ای که مولای درزش نمی‌رفت اثبات کرد و عنوان قهرمانی شطرنج جهان را که «روس‌ها فکر می‌کردند بخشی از خاک کشورشان است» از آن‌ها گرفت و به هژمونی آن‌ها بر جهان شطرنج خاتمه داد.

تراژدی فیشر:

در سال ۱۹۷۵، پس از آن که فیده به ریاست دکتر ماکس اوپوه با دو شرط از ۱۷۴ شرطی که فیشر اعلام کرده بود، موافقت نکرد فیشر نیز حاضر نشد از عنوان خود در برابر آناتولی کارپف دفاع کند. این رویارویی انجام نشده را می‌توان بزرگ‌ترین تراژدی شطرنجی هم برای شخص آناتولی کارپف و هم برای جهان شطرنج و علاقمندان پرشمار به حساب آورد. درباره‌ی تصمیم فیشر گمانه‌زنی‌های بسیار صورت گرفته اما ترس از شکست و به زیر افتادن از المپ شطرنج، احتمالاً انگیزه اصلی فیشر بوده است.

سال‌های آخر فیشر:

پس از پیروزی در رویارویی ۱۹۷۲، فیشر در هیچ مسابقاتی شرکت نکرد و پس از عدم حضور در رویارویی ۱۹۷۵، بیش از پیش به کنج عزلت و انزوا گرایید. او به ویژه اصرار

داشت کسی وی را به جا نیاورد و خلوت و آرامشش (؟) را به هم نزنند.

اما در سال ۱۹۹۲ به ناگهان اعلام کرد که حاضر است در رویارویی برگشت با بوریس اسپاسکی مبارزه کند. رویارویی برگشت در جزیره اسوتی استفان در یوگسلاوی و با مجموع جوایز ۵ میلیون دلار صورت گرفت. فیشر که شدیداً به پول احتیاج داشت با پیروزی ۵-۱۰ سه و نیم میلیون دلار به دست آورد! متأسفانه او در محاسبات خود به یک نکته توجه نکرده بود:

یوگسلاوی به خاطر جنگ بالکان تحت تحریم آمریکا بود و اقدام فیشر تخلف از قوانین دولت آمریکا محسوب می‌شد. بنابراین فیشر تحت تعقیب قرار گرفت و مجبور شد به زندگی پنهانی پردازد- در اروپای مرکزی، فیلیپین و ژاپن- تا از گزند دولت آمریکا در امان بماند. سرانجام در سال ۲۰۰۴ در حالی که قصد داشت از طریق فرودگاه توکیو از ژاپن خارج شود به جرم تلاش برای مسافرت با پاسپورتی که ابطال شده بود دستگیر شد. فیشر هشت ماه بعد را در بازداشتگاهی در ژاپن به سر برد در حالی که دوستانش به تکاپو افتاده بودند تا مانع از استرداد او به آمریکا شوند.

بالاخره تلاش‌های آنها نتیجه داد و پارلمان ایسلند (که فیشر در سال ۱۹۷۲ توجه جهانیان را به وجود این کشور بر روی کره خاکی جلب کرده بود) به اتفاق آرا شهروندی ایسلند را به فیشر اعطا کرد. گرچه این اقدام خشم دولت آمریکا را برانگیخت، اما مقامات ژاپنی تمکین کردند و فیشر را در اوایل سال ۲۰۰۵ به ایسلند فرستادند.

فیشر سه سال آخر عمر را در ایسلند و در جمع محدود دوستان صمیمی خود از جمله استاد بزرگ فردریک اولافسون با آرامش سپری کرد. هر چند که آن خلا کهنه هم‌چنان او را می‌آزرد اما به هر حال زندگی برای او بهتر و شسته‌رفته‌تر شده بود.

در اواخر سال ۲۰۰۷ فیشر به علت نارسایی کلیه مدتی را در بیمارستان بستری بود. اما سرانجام پس از بهبود نسبی ترخیص شد. صبح روز ۱۷ ژانویه ۲۰۰۸ باز هم ناراحتی کلیه به سراغ فیشر آمد. دوست ایسلندی فیشر Gardar Sverrisson او را به بیمارستان رساند و بستری کرد. اما پس از عمل جراحی فوری، فیشر دیگر به هوش نیامد....

در طول مسیری که اسوریسون و فیشر با تاکسی به سمت بیمارستان طی می‌کردند، فیشر از اسوریسون تقاضا کرده بود که پاهایش را ماساژ دهد تا درد پاهای وی تسکین یابد. پس

از آن که اسوریسون به تقاضای فیشر عمل کرده بود فیشر نجواکنان به او گفته بود:
«Nothing is as healing as a human's touch» (هیچ مرهمی مانند تماس
یک انسان نیست) و این احتمالا آخرین جمله‌ای است که از فیشر نقل خواهد شد.

درباره کتاب:

کتاب «۶۰ بازی به یادماندنی من» به گواهی استادان بزرگ و متخصصان شطرنج جزو
برترین کتاب‌های تاریخ شطرنج به حساب می‌آید. در واقع هیچ شطرنج‌بازی نیست که از
مطالعه این کتاب بی‌نیاز باشد. کتاب نخستین بار در سال ۱۹۶۹ به زیور طبع آراسته شده و
بنابراین از شاهکارهای فیشر در سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ در آن خبری نیست. با این
حال فیشر سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۷۲ را می‌توان از خلال صفحات همین کتاب به
وضوح دید.

شخصاً این کتاب را با گلستان سعدی مقایسه می‌کنم از آن جهت که تمام آن چه
که یک شطرنج‌باز انتظار دارد در یک کتاب شطرنج ببیند: بحث‌های دقیق گشایشی،
وسط بازی‌های استراتژیک، وسط بازی‌های تاکتیکی، ترکیب‌های خیره‌کننده و
آخر بازی‌های آموزنده، همه و همه را می‌توان در این کتاب دید.

درباره‌ی ترجمه فارسی کتاب:

همان‌طور که گفتم کتاب تقریباً چهل سال پیش به زبان انگلیسی منتشر و پس از آن به
بسیاری زبان‌های دنیا ترجمه شده بود. اما متأسفانه زبان فارسی مستثنا بود و علاقمندان
شطرنج جای خالی این کتاب را احساس می‌کردند.

یک روز استاد فدراسیون جهانی شطرنج و عضو تیم ملی کشورمان، جناب آقای آرش
روغنی به اینجانب پیشنهاد کردند که دست به کار ترجمه این کتاب شوم. بنده هم پس از
سه، چهار ماه تأمل پیشنهاد ایشان را پذیرفتم.

در ترجمه‌ی این کتاب بنده از یک سو چشم به فیشر داشتم: تلاشم این بود که تمام آن
چه را که او می‌گوید با حفظ امانت و اصالت و لحن بیان به فارسی برگردان کنم، و از سوی
دیگر چشم به خواننده‌ی فارسی‌زبان داشتم: تلاشم این بود که متن برای وی سلیس، رسا و
خوانا باشد. هر چند که باید اعتراف کنم در این میان بیشتر جانب فیشر را نگاه داشته‌ام.

خوشبختانه جناب آقای روغنی که ویراستاری کتاب را به عهده گرفتند، با دقت نظر خویش کمک کردند تا بسیاری از ایرادات ترجمه رفع و بر سلاست و روانی آن افزوده شود. از ایشان صمیمانه سپاس گزاری و قدردانی می‌کنم.

شطرنج‌باز خوب شهر کرج، جناب آقای کیومرث عشقی نیز زحمت تایپ و صفحه‌آرایی ترجمه را تقبل کردند. دقت ایشان در این کار باعث شد که کتاب به شکل برازنده کنونی درآید. وظیفه خود می‌دانم که از ایشان نیز صمیمانه تشکر نمایم.

می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خود را از طریق آدرس پست الکترونیکی seilsepour_taher@yahoo.ca با من در میان بگذارید.

سخن آخر این که امیدوارم خوانندگان گرامی، اشکالات ترجمه را- که همگی از قصور این جانب است- بزرگواران به دیده اغماض بنگرند. آرزوی من این است که مطالعه این کتاب همان قدر برای شما آموزنده و لذتبخش باشد که ترجمه آن برای من بود.

طاهر سیل سپور

اردیبهشت ۱۳۸۷

ACHMAZ

فروشگاه تخصصی شطرنج

WWW.ACHMAZSTORE.IR

فهرست

شماره صفحه

حریفان

۱۷

۱. شروین (سیاه) قهرمانی آزاد نیوجرسی

خیلی کم، خیلی دیر

۲۲

۲. لارسن (سیاه) پورتوروژ ۱۹۵۸

قلع و قمع کردن دراگون (اژدها) شطرنج

۲۸

۳. پتروسیان (سفید) پورتوروژ ۱۹۵۸

آغوش خرس

۳۶

۴. پیلنیک (سفید) ماردل پلاتا ۱۹۵۹

قریحه و تاکتیک

۴۲

۵. روستو (سیاه) ماردل پلاتا ۱۹۵۹

اجبار ناخوشایند

۴۷

۶. شوکرون (سیاه) ماردل پلاتا ۱۹۵۹

یک اشتباه کوچک

۵۴

۷. اولافسون (سفید) زوریخ ۱۹۵۹

افتخار از دست رفته

۵۹

۸. کرس (سیاه) زوریخ ۱۹۵۹

خار و گل

- ۶۷ ۹. والتر (سفید) زوریخ ۱۹۵۹
- ۷۳ لب او و لب جام
۱۰. اونتسیکر (سیاه) زوریخ ۱۹۵۹
- ۷۹ دوشیدن گاو
۱۱. بنکو (سیاه) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- ۸۳ نواهای پنهان
۱۲. گلیگوریچ (سفید) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- ۹۲ قلعه رفتن به دهان شیر
۱۳. گلیگوریچ (سیاه) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- ۹۷ حرف نو
۱۴. کرس (سفید) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- دستپخت نه چندان خوب
- ۱۰۵ ۱۵. اسمیسلاف (سفید) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- غول بی شاخ و دم
- ۱۱۱ ۱۶. پتروسیان (سیاه) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- چهار وزیر
- ۱۲۰ ۱۷. تال (سیاه) تورنمنت نامزدهای قهرمانی جهان ۱۹۵۹
- شکست با اختلاف ناچیز
- ۱۲۷ ۱۸. اسپاسکی (سفید) ماردل پلاتا ۱۹۶۰
- شراب کهنه در جام نو
- ۱۳۲ ۱۹. گودموندسون (سفید) ریک یاویک ۱۹۶۰
- سفر طولانی
- ۱۳۷ ۲۰. اوویه (سیاه) المپیاد لایپزیک ۱۹۶۰
- جنگ تئوریک
- ۱۴۱ ۲۱. لتلیر (سفید) المپیاد لایپزیک ۱۹۶۰
- وزیر به ازای شاه

- ۱۵۵ ۲۲. زاپو (سفید) المپیاد لایپزیگ ۱۹۶۰
فضاوت بد
- ۱۵۹ ۲۳. تال (سیاه) المپیاد لایپزیگ ۱۹۶۰
هیچ دژی ممنوع نیست
- ۱۵۴ ۲۴. دارگا (سیاه) برلین غربی ۱۹۶۰
به دنبال دردسر
- ۱۶۰ ۲۵. لومباردی (سفید) قهرمانی آمریکا ۱-۱۹۶۰
روزی که ماروتسی نخیمه نزد
- ۱۶۵ ۲۶. رشفسکی (سیاه) نیویورک ۱۹۶۱- دومین بازی رویارویی
زمان نخواهد گفت
- ۱۷۱ ۲۷. رشفسکی (سفید) نیویورک ۱۹۶۱- بازی پنجم رویارویی
آتش بازی ناب
- ۱۷۹ ۲۸. رشفسکی (سفید) لوس آنجلس ۱۹۶۱- یازدهمین بازی رویارویی
مساوی با اشتباه شطرنج
- ۱۸۶ ۲۹. گلر (سیاه) بلد ۱۹۶۱
چاه کن در چاه افتاد
- ۱۹۸ ۳۰. گلیگوریچ (سفید) بلد ۱۹۶۱
نمایش خیال انگیز
- ۱۹۵ ۳۱. پتروسیان (سیاه) بلد ۱۹۶۱
صادقانه ترین شکل تملق
- ۲۰۱ ۳۲. تال (سیاه) بلد ۱۹۶۱
پیروزی معنوی
- ۲۰۷ ۳۳. تریفونوویچ (سیاه) بلد ۱۹۶۱
استاد مساوی
- ۲۱۳ ۳۴. برتوک (سفید) استکهلم ۱۹۶۲
پیاده های آویزان، آویزان نیستند

- ۲۱۸ ۳۵. بولبوچان (سیاه) استکهلم ۱۹۶۲
- ۲۲۴ حسن ختام خیره‌کننده
- ۲۳۱ ۳۶. کورچنوی (سیاه) استکهلم ۱۹۶۲
- دو نگاه متفاوت
- ۲۴۰ ۳۷. کرس (سفید) کوراسائو ۱۹۶۲
- تنها یک مساوی
- ۲۴۷ ۳۸. کرس (سیاه) کوراسائو ۱۹۶۲
- داستان کارآگاه
- ۲۶۲ ۳۹. باتونیک (سفید) المپیاد وارنا ۱۹۶۲
- رویارویی
- ۲۶۸ ۴۰. نایدورف (سیاه) المپیاد وارنا ۱۹۶۲
- واریاسیون نایدورف
- ۲۷۳ ۴۱. روباج (سیاه) المپیاد وارنا ۱۹۶۲
- فرهنگ تخصصی شطرنج
- نگین درخشان
- ۲۷۷ ۴۲. اونتسیکر (سفید) المپیاد وارنا ۱۹۶۲
- سهل انگاری
- ۲۸۴ ۴۳. رشفسکی (سیاه) قهرمانی آمریکا ۶۳-۱۹۶۲
- حلقه مفقوده
- ۲۸۸ ۴۴. فاین (سیاه) بازی دوستانه نیویورک ۱۹۶۳
- شوک الکتریکی
- ۲۹۵ ۴۵. بیسگوئر (سیاه) مسابقات آزاد قهرمانی ایالت نیویورک ۱۹۶۳
- اشباح
- ۳۰۰ ۴۶. بنکو (سیاه) مسابقات آزاد قهرمانی ایالت نیویورک ۱۹۶۳
- پیروزی آسان
۴۷. بیسگوئر (سیاه) مسابقات آزاد قهرمانی ایالت نیویورک ۱۹۶۳
- نمایش روان

۴۸. بایرن (سفید) مسابقات آزاد قهرمانی ایالت نیویورک ۱۹۶۳
جایزه درخشندگی
۴۹. اشتین میر (سیاه) مسابقات آزاد قهرمانی ایالت نیویورک ۱۹۶۳
دام پیچیده
۵۰. سلی (سیاه) تور سیمولتانه کالیفرنیا ۱۹۶۴
قدرت نمایی
۵۱. اسمیسلوف (سیاه) هاوانا (یادبود کاپابلانکا) ۱۹۶۵
تنگ کردن عرصه بر حریف
۵۲. روسولیمو (سیاه) قهرمانی آمریکا ۶۶-۱۹۶۵
جنگ و گریز
۵۳. پورتیش (سفید) سانتامونیکا ۱۹۶۶
جادوی سیاه
۵۴. نایدورف (سیاه) سانتامونیکا ۱۹۶۶
شبی که نایدورف به نایدورف پشت کرد
۵۵. بدنارسکی (سیاه) المپیاد هاوانا ۱۹۶۶
بهای بی احتیاطی
۵۶. گلیگوریچ (سیاه) المپیاد هاوانا ۱۹۶۶
ادامه‌ی فیشر
۵۷. لارسن (سفید) موناکو ۱۹۶۷
تغییر آهنگ
۵۸. گلر (سیاه) اسکوپیه ۱۹۶۷
شاهکار ناتمام
۵۹. خولموف (سفید) اسکوپیه ۱۹۶۷
فیل خطاکار
۶۰. اشتاین (سیاه) ایترزونا سوسه ۱۹۶۷
دیدار قهرمانان

My 60 Memorable Games

Robert James Fischer

« سخت است که بگویم دقیقاً چه زمانی نام بابی فیشر را برای نخستین بار شنیدم، اما در اوایل زندگی‌ام بود. هنگامی که او با بورس اسپاسکی بر سر عنوان قهرمانی جهان در سال ۱۹۷۲ می‌جنگید من ۹ ساله، و در شهر زادگاه خود، باکو، بازیکن باشگاهی بودم. من مشتاقانه بازی‌های آن‌ها را دنبال می‌کردم... شصت بازی به یادماندنی فیشر یکی از نخستین کتاب‌های شطرنجی من بود.»

گری کاسپاروف

فروشگاه تخصصی شطرنج

فیشر شطرنج بازی بزرگ و سرمشقی عالی برای بسیاری بود. کتاب او «۶۰ بازی به یادماندنی من» تأثیر عمیقی بر من نهاد.

یان تیمان



دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، ابتدای خیابان شدای ژاندارمری
شماره ۱۳۰، ساختمان ایرانیان
فروشگاه: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، شماره ۵
تلفن ۶۶۴۸۴۱۹۰
تلفن ۶۶۴۶۲۴۰۶

